

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ

سلسله جلسات ختم مفهومی

در محضر سوره مبارکه قیامت



استاد احمد رضا اخوت

بهار ۱۴۰۳

فهرست

۲	جلسه‌ی اول سوره‌ی مبارکه‌ی قیامت ۱۴۰۳/۰۳/۲۳
۲	ثواب قرائت سوره‌ی مبارکه‌ی قیامت
۲	مرور کلی آیات سوره
۹	دسته‌بندی آیات سوره
۱۰	نکات مهم سوره
۱۹	رابطه عمل و انسان در قیامت
۲۳	چرخه موت و حیات در دنیا

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

جلسه اول سوره مبارکه ی قیامت ۱۴۰۳/۰۳/۲۳

ثواب قرائت سوره مبارکه ی قیامت

از دقیقه ۱۰ تا ۱۰

این سوره، سوره مکی است و از سوره‌های خاصی است که در مورد قیامت به صورت اختصاصی ذکر شده است. البته سوره‌های دیگری در این باره از جمله سوره‌های مبارکه قارعه، حاقه، واقعه داریم، ولی سوره‌ای که اشاره مستقیم به مسئله قیامت کرده باشد همین سوره است.

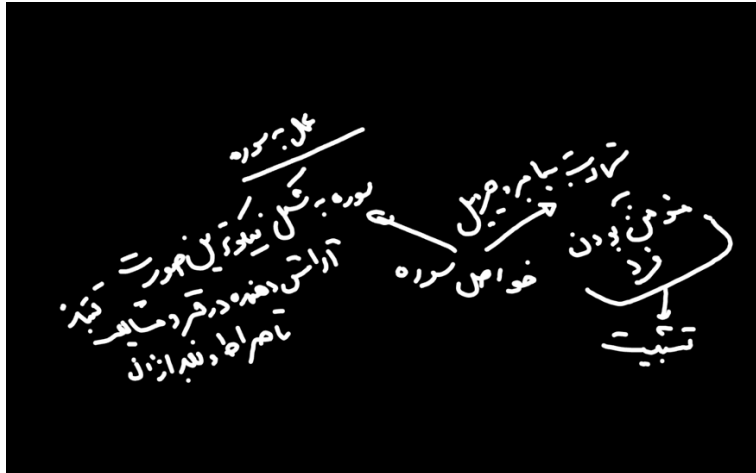
• در ثواب قرائت این سوره حضرت فرمودند: هر کس سوره قیامت را بخواند من و جبرئیل به مؤمن بودن او گواهی می‌دهیم. پس خواص سوره یکی شهادت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و جبرئیل به مؤمن بودن فرد است و این نشان می‌دهد که ایمان فرد تثبیت می‌شود. تثبیت ایمان منجر می‌شود به اینکه انسان شهادت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را داشته باشد. مثل اینکه تثبیت ایمان تضمینی می‌شود. این روایت اول.

• در روایت دوم، کسی که این سوره را که نام آن لا اقسام هست به طور مداوم بخواند و عمل کند، خداوند آن سوره را در قبر وی به زیباترین صورت برمی‌انگیزاند که او را مژده دهد و به روی او بخندد تا از صراط و میزان بگذرد. پس خصوصیت دوم این است که سوره به شکل نیکوترین و زیباترین صورت به شکل انسان در می‌آید و آرامش دهنده‌ی در قبر و مشایعت کننده تا صراط و بعد از آن است. اما شرط آن خواندن سوره و عمل به آن است. پس نکته‌ی مهم این است که انسان پیدا کند که عمل کردن به این سوره یعنی چه. تقریباً تمام آیات این سوره باوری است. باید پیدا کنیم که عمل به سوره به چه معنایی است.

تا اینجا بخش اول مطالب گفته شد. انتظار ما از این سوره موضوع تقویت و تثبیت ایمان ما است. هم‌چنین از این روایت سوره برمی‌آید که کلاً هر کدام از سوره‌ها شکل و صورت دارند و از همین روایت مشخص می‌شود که انسان می‌تواند در جاهای مختلف از شکل و صورت سوره بهره‌مند شود. خصوصیت این سوره این است که انسان را از قبر تا بعد پل صراط در مراحل مختلف مشایعت می‌کند.

مرور کلی آیات سوره

یک بار تا آخر سوره در حد ترجمه بخوانیم.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ ﴿١﴾

لَا أُقْسِمُ را خیلی‌ها به معنی قسم خوردن گرفته‌اند، بعضی‌ها هم گفته‌اند قسم نمی‌خوریم. در ترجمه‌ها معمولاً نوشته شده است که سوگند به قیامت، بعضی‌ها **لَا** را ترجمه نمی‌کنند؛ سوگند به روز قیامت.

وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ ﴿٢﴾

قسم به **نَفْسِ اللَّوَّامَةِ**، نفسی که ملامت می‌کند و مانع غفلت انسان می‌شود و مرتب به او هشدار می‌دهد. **نَفْسِ اللَّوَّامَةِ** آن است که وجدان انسان در مقابل اشتباه بیدار است و خودش انسان را توبیخ می‌کند.

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ

جواب قسم است که آیا ... البته ممکن است بگویند که استفهام نمی‌تواند جواب قسم باشد. جواب قسم مفهومی است که همه این چیزها را در بر دارد.

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ ﴿٣﴾

آیا انسان می‌پندارد که ما هرگز استخوان‌های او را جمع نخواهیم کرد.

بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نَسُوِيَ بَنَانَهُ ﴿٤﴾

بلکه ما قادر هستیم حتی خطوط سر انگشتان را هم که به صورت موزون مرتب است، جمع کنیم. نه تنها استخوان‌ها را جمع می‌کنیم، بلکه گوشت

و پوست را هم جمع می‌کنیم؛ نه بلکه آثار گوشت و پوست که کاملاً قابل مشاهده نیستند، **نُسُوٰی بَنَانَهُ**، مثل اثر انگشتان دست که از دور نمی‌بینید، از نزدیک هم خیلی قابل مشاهده نیست مگر اینکه انگشت را در جوهر بزیند. بعضی‌ها می‌گویند این جزء معجزات قرآن است و بعد فهمیدند هیچ اثر انگشتی شبیه دیگری نیست و این دلالت دارد که در هنگام جمع شدن هیچ فردی با فرد دیگر هیچ تداخلی ندارد. اینکه بعضی‌ها نگران جابجایی بعضی از قسمت‌های اعضای بدن خود با دیگری هستند، اینجا اشاره می‌کند که در این جمع کردن حتی مشخصات جزئی هم در جای خود قرار می‌گیرد.

بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ ﴿٥﴾

علت این همه شک و تردید انسان این است که او می‌خواهد آزاد باشد تا هر چه که خواست انجام دهد. انسان می‌خواهد که در قید نباشد که در تمام عمر خود گناه بکند. **لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ** یعنی در تمام عمر خود، نمی‌خواهد کسی او را مقید بکند. علت نرفتن زیر بار قیامت نه به دلیل نداشتن قیامت است، بلکه می‌خواهد گناه کند.

از دقیقه‌ی ۱۰ تا ۲۰

يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ ﴿٦﴾

بعد می‌پرسد که قیامت چه زمانی است. می‌خواهد زمان دقیق قیامت را بداند. در صورتی که انسان وقتی از دنیا برود چه فرقی می‌کند که قیامت امشب باشد یا میلیون‌ها سال بعد. برای مرده که تفاوتی ندارد. مرده مثل خواب می‌ماند. مثل اصحاب کهف که سیصد و خورده‌ای سال خواب بودند، در حالی که فکر می‌کردند یک خشی از روز را خواب بودند. برای فرد مرده زمان قیامت اثری ندارد. اینها از زمان قیامت سؤال می‌کنند. زمان قیامت را خداوند با نشانه‌ها بیان می‌کند.

فَإِذَا بَرِقَ الْبَصْرُ ﴿٧﴾

آن هنگام چشم‌ها از شدت وحشت به گردش در می‌آید. **بَرِقَ الْبَصْرُ** یعنی چشم‌ها گرد شده و حالت وحشتناکی به خود می‌گیرد.

وَحَسَفَ الْقَمَرُ ﴿٨﴾

ماه بی نور می‌شود.

وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ﴿٩﴾

خورشید و ماه در یک جا جمع می‌شوند. خیلی‌ها می‌گویند که این نشان دهنده‌ی کامل شدن خورشید و ماه است و چرخه‌ی آسمان و زمین دیگر

به این شکل نیست. خورشید و ماه دیگر در مدار خود نمی چرخند و زمین کاملاً کن فیکون می شود.

يَقُولُ الْإِنْسَانُ يُؤْمِنُ أَيَّنَ الْمَفْرُ ﴿١٠﴾

معلوم می شود که زندگی تمام نمی شود، بلکه آن روز انسان به دنبال راه فرار می گردد. یا منظور همان انسان‌ها است یا انسان‌هایی که بیدار شدند یا انسان نوعی، هر کدام که باشند آن قدر وحشتناک است که دنبال راه فرار می گردند.

كَلَّا لَا وَزَرَ ﴿١١﴾

هرگز چنین نیست. راه فرار و پناهگاهی وجود ندارد.

آن روز قرارگاه نهایی همه انسان‌ها به سمت پروردگار است. خیلی‌ها خوشحال می شوند که به محضر پروردگار می رسند، ولی خیلی‌ها هم خوشحال نمی شوند. یک خبر بیشتر نیست و انسان‌ها به تناسب اعمال خود خوشحال یا ناراحت می شوند. آن روز، **إِلَىٰ رَبِّكَ يُؤْمِنُ الْمُسْتَقَرُّ ﴿١٢﴾**، همه باید نزد خدا استقرار پیدا کنند.

يُنَبِّئُ الْإِنْسَانَ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ ﴿١٣﴾

در آن روز انسان را از تمام کارهایی که از پیش فرستاده یا پس فرستاده است، **قَدَّمَ وَأَخَّرَ** کرده است خبر می دهند.

بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ ﴿١٤﴾

بلکه اصلاً یک علمی در کائنات شکل می گیرد که انسان، **عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ ﴿١٤﴾**، از نفس خود آگاه است.

وَلَوْ أَلْفَىٰ مَعَاذِيرَهُ ﴿١٥﴾

هر چند که عذر بیاورد. یعنی همه می فهمند که در جاهایی تقصیر داشته‌اند. یعنی هم گناه را می داند که چه بوده است و هم می داند که نمی تواند هیچ عذری بیاورد. البته بعضی وقت‌ها اجازه آوردن عذر می دهند و بعضی اوقات هم اجازه عذرخواهی هم داده نمی شود؛ در آیات قرآن هم داریم. یعنی آدم‌ها حتی اذن به عذرخواهی هم ندارند. اما اگر یک جایی امکان عذرخواهی داشت، می دانند که صرفاً عذر است و قابل قبول نیست. به این دلیل از کلمه **لَوْ** استفاده می کنند.

وَلَوْ أَلْفَىٰ مَعَاذِيرَهُ ﴿١٥﴾

هر چند یعنی هیچ چیزی به اینجا کشیده نمی شود. اما اگر قرار شد به اینجا هم کشیده شود، فرد می تواند عذرخواهی کند. در دنیا عذرخواهی‌ها خیلی زیاد است؛ آدم‌ها اشتباه می کنند، از یکدیگر عذرخواهی می کنند. من مقصر نبودم، فرد دیگری مقصر بود، همه سعی می کنند مشکلات خود

را به گردن دیگران بیندازند. اما در قیامت این امکان وجود ندارد و انسان‌ها **عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ** هستند. یعنی خود آنها علمی دارند، مثل اینکه به چند و چون کار خود آگاه هستند. حتی قبل از اینکه کارنامه اعمال آنها را بدهند. یعنی حتی هنوز هم کارنامه داده نشده است، می‌فهمد خرابکاری‌هایی دارد.

لَا تُحْرِكُ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ ﴿١٦﴾

زبان‌ت را به خاطر عجله برای خواندن قرآن حرکت نده. اینجا جمله‌ی معترضه می‌شود. از بحث روز قیامت و توصیف آن خارج می‌شود. به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رو می‌کند، گویی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از بیان آیات قیامت خیلی متأثر می‌شوند.

لَا تُحْرِكُ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ ﴿١٦﴾ إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ ﴿١٧﴾

جمع کردن و خواندن آن بر عهده ما است. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از **لِتَعْجَلَ بِهِ** نهی می‌شود. یعنی به واسطه آن، عجله و شتابی کند.

فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ ﴿١٨﴾

پس هرگاه آن را خواندی، از خواندن آن پیروی کن، زودتر پیروی نکن که بحث عجله اینجا مطرح می‌شود.

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ ﴿١٩﴾

بَيَانٌ و توضیح آن بر عهده ما است. اینجا **بَيَانٌ** به معنی این است که چه موقعی نازل شود و چه موقعی و چگونه ایجاد تمایز کند، با ما است.

كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ ﴿٢٠﴾

چنین نیست که شما می‌پندارید. به این صورت نیست که در مقابل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و قرآن که مباحث را مطرح می‌فرماید، دلایل قانع‌کننده‌ای داشته باشید. بلکه علت اینکه زیر بار قیامت نمی‌بینید، **بَلٌ** به این دلیل است که **تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ**، شما دنیایی که خیلی زودگذر است را دوست دارید.

وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ ﴿٢١﴾

ال**آخِرَةَ** را رها می‌کنید. دو مرتبه به قیامت برمی‌گردد.

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاصِرَةٌ ﴿٢٢﴾

در آن روز صورت‌هایی شاداب و مسرور است.

إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ ﴿٢٣﴾

آنها به وجه الله نظر می کنند.

﴿۲۴﴾ وَوَجْهُهُ يَوْمَئِذٍ بِآبِغَرٍّ

وجه‌هایی هم هستند که صورت‌های آنها عبوس و درهم کشیده است.

﴿۲۵﴾ تَنْظُنُّ أَنْ يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ

زیرا می داند، عذابی در پیش دارد که پشت را درهم می شکند. فاقرة، ستون فقرات است. تَنْظُنُّ، به گمان او می رسد که

﴿۲۵﴾ أَنْ يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ

جلوی روی او یک‌سری عملیات‌های سنگینی دارد اجرا می شود که ستون فقرات را می شکند.

کلا

چنین نیست. کلاها را با هم بررسی کنیم، به چه معنی است. چنین نیست.

﴿۲۶﴾ إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ تا زمانی که جان به گلوگاه او برسد.

﴿۲۷﴾ وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ

گفته می شود: کسی هست این بیمار را نجات دهد. شبیه آن در سوره واقعه است.

﴿۲۸﴾ وَظَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ به جدایی از دنیا یقین پیدا می کند. متوجه می شود که دیگر برگشت پذیر نیست. ظَنَّ همیشه به معنی گمان نیست، اینجا متوجه

می شود.

از دقیقه ۲۰ تا ۳۰

﴿۲۹﴾ وَالتَّتَفَّتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ

از شدت جان دادن ساق پاهای خود را بهم می پیچد. معنای مختلفی ذکر کرده‌اند.

﴿۳۰﴾ إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ

آری در آن روز مسیر همه به سمت پروردگار است. یعنی هر کسی هر انسانی، چه مؤمن، چه کافر به سمت خداوند می رود.

﴿۳۱﴾ فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّىٰ

در آن روز گفته می‌شود که او هرگز ایمان نیاورد و نماز نخواند.

لَا صَدَقَ

یعنی تصدیق نکرد

وَلَا صَلَّى

و نماز را به جایی نیاورد. بعضی‌ها این را استمرار هم می‌دهند.

فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى ﴿٣١﴾

اما او هرگز ایمان نیاورد و نماز نخواند. اگر به آن روز بگیری؛ می‌شود: حتی در آن روز هم نه تصدیق خواهد کرد و نه احساسی از نماز در او ایجاد می‌شود. اگر نسبت به گذشته بگوییم که او تصدیق نکرد و اهل نماز هم نبود.

وَلَكِنْ كَذَبَ وَتَوَلَّى ﴿٣٢﴾

بلکه تکذیب کرد و روی گرداند.

ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِ يَمْتَطِي ﴿٣٣﴾

که معلوم می‌شود مربوط به فضای دنیای او است.

فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى

یعنی در زندگی خود اهل تصدیق و اهل نماز نبوده است. اهل تکذیب و اهل پشت کردن به ولایت بوده است.

ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِ يَمْتَطِي ﴿٣٣﴾

سپس به سوی خانواده خود بازگشت در حالی که متکبرانه قدم بر می‌داشت.

أُولَىٰ لَكَ فَأُولَىٰ ﴿٣٤﴾

یعنی عذاب الهی برای تو شایسته‌تر است.

ثُمَّ أُولَىٰ لَكَ فَأُولَىٰ ﴿٣٥﴾

سپس عذاب الهی برای تو شایسته‌تر و شایسته‌تر است.

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى ﴿٣٦﴾

آیا انسان به این صورت گمان دارد، حساب و کتاب می کند که بدون هدف رها می شود، ترک می شود.

أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِنْ مَنِيٍّ يُمْنَى ﴿٣٧﴾

آیا او نطفه‌ای از منی که در رحم ریخته می شود، نبود؟

ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً

بعد عَلَقَةً شد،

فَخَلَقَ فَسَوَى ﴿٣٨﴾

مسیر خلق خود را طی کرد تا تبدیل به یک انسان کامل شد.

فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى ﴿٣٩﴾

خدا از او دو زوج مرد و زن آفرید و توالی نسل او را به وسیله‌ی زوجیت حفظ کرد.

أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ ﴿٤٠﴾

آیا چنین کسی قادر نخواهد بود که مردگان را زنده کند؟

أَلَيْسَ ذَلِكَ

آیا کسی که خلق ابتدایی داشته است، خلق دوباره نمی تواند داشته باشد. اگر قرار به ناتوانی بود، خلق اول به ناتوانی ارجح بود. کسی که خلق اول می تواند انجام دهد، قطعاً خلق بعدی هم می تواند انجام دهد.

دسته بندی آیات سوره

سوره را که بررسی می کنیم، یک سیاق یکپارچه‌ای دارد که همه آیات آن راجع به قیامت است و خیلی خاص است. اما دسته بندی حضرت علامه به این صورت است که می فرمایند از آیه اول تا پانزده را یک دسته گرفته اند.

(۱) دسته اول از لا اقسیم بیوم القیامة ﴿۱﴾ تا و لو القی معاذیره ﴿۱۵﴾، جمله معترضه‌ای که ما می گوئیم؛ لا تحریک به لسانک لتعجل به ﴿۱۶﴾، بعداً

راجع به آیات که صحبت می کنیم، خواهیم دید که داستان این آیات به چه صورتی است.

(۲) از آیه شانزده تا چهل را دسته دوم می گیرند.

نکات مهم سوره

- اگر دقت کرده باشید، قسمت اول سوره که قسم به روز قیامت است، اصلاً خود موضوع قیامت کبری مطرح می‌شود. علت اینکه قیامت صغری و کبری می‌کنند؛ چون ممکن است بعضی وقت‌ها، بعضی قیامت‌های صغری، کوچکی هم اتفاق بیفتد. اما وقتی کبری می‌گویند؛ **يَوْمَ تَبْدُلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ**^۱، یعنی زمین ماهیت خود را عوض می‌کند. این خیلی مهم است، وقتی قیامت می‌شود، ماهیت زمین و ماهیت آسمان تغییر می‌کند. ماهیت‌های آنها تغییر می‌کند. یعنی مثلاً الان با یک جاذبه‌ای حرکت می‌کنیم؛ آن موقع با جاذبه دیگری است. الان یک حرکتی در زمین است، آن موقع حرکت دیگری است. بخش‌هایی از این را در سوره مبارکه معارج فرموده است. به هر حال خیلی مهم است که در قیامت کبری، ماهیت زمین و آسمان تغییر می‌کند و به تبع ماهیت انسان هم تغییر پیدا می‌کند. اما این تغییری که در حوزه انسان اتفاق می‌افتد، وقتی راجع به قیامت مطلب می‌خوانید، نگران می‌شوید که نکند اعمال گم شود یا مثلاً یک کاری کرده‌ایم، نادیده گرفته شود یا اصلاً به ما ندهند. یا اعمال عده‌ای برای ما حساب شود یا مثلاً وضع ما به صورت دیگری شود. حساب و کتاب‌ها گم شود، خیلی هم سخت است. فکر کنید کل ماهیت عالم را بخواهند تغییر دهند، بعد ممکن است هر کسی از شهر خودش محشور نشود، از جای دیگری ممکن است محشور شود. معلوم نیست که چه کسی، از کجا محشور شود، معلوم نیست، چه کسی، کجا قرار بگیرد. آدم نگران می‌شود، زندگی خانوادگی چه می‌شود، افراد ما چه می‌شود، آیا خانواده خود را می‌شناسیم، یک جایی هستیم که خانواده خود را می‌شناسیم؟! خیلی سؤال‌های متعددی اینجا پیش می‌آید که بعضی از سؤالات آن حاشیه‌ای است و خیلی اصلی نیست. بعضی‌ها اصلی است و خداوند آن سؤالات را جواب داده است. اما ده‌ها سؤال می‌توانیم راجع به قیامت پرسیم. مثلاً پرسیم: اگر تهران دفن باشم و قیامت شود، کوه‌ها متلاشی شود و همه جا دگرگون شود، بعد چه می‌شود؟! کجا من را زنده می‌کنند؟! آیا آنجایی که من را زنده می‌کنند با شما هستم، نیستم؟! تازه می‌خواهم یک زندگی جدیدی شروع کنم؟! سن من آن زمان چقدر است؟! بعد سن بقیه به چه صورتی است؟! اگر کسی بچه بود، آنجا به چه صورتی است؟! پدر نداشت، چه کار باید انجام دهد؟! و ... سؤالات زیادی می‌شود، مطرح کرد. به هر حال خداوند از قیامت کبری صحبت فرموده است، اما هر چیزی هم راجع به آن نگفته است. نسبت به اتفاقاتی که می‌افتد؛ خیلی کم، مواردی فرموده است.

^۱ سوره مبارکه ابراهیم، آیه ۴۸

پس آیات دسته اول موضوع خود قیامت کبری و وقوع آن را مطرح می‌فرماید. حضرت علامه می‌گویند: «نخست از وقوع روز قیامت خبر می‌دهد و در مرحله دوم آن روز را یک بار با ذکر چند نشانه و بار دیگر با اجمالی از سرگذشت انسان توصیف می‌کند.»

برای خدا خیلی مهم است که مواردی را راجع به قیامت به ما متوجه کند و بعد هم ما نمی‌دانیم، چرا متوجه نمی‌شویم. هر چه هم خدا سعی کرده است، نمی‌دانم چرا متوجه نمی‌شویم.

از دقیقه‌ی ۳۰ تا ۴۰

خداوند می‌خواهد بگوید درست است که قیامت یک اتفاق است و اسم آن را هم قیامت می‌گویند. در بعضی روایات هم به آن قیامت کبری می‌گویند و به آن قسم هم خورده است، البته در اینجا **لا أُقْسِمُ** می‌گوید، ولی قسم خورده است. ولی اتفاقات مهمی در زندگی شما افتاده است که هم ارز با قیامت بوده است. چرا از آنها تعجب نمی‌کنید؟ ولی از قیامت تعجب می‌کنید؟ مثلاً **نُظِفَّةٌ** بودید بعد **عَلَقَةٌ** شدید و انسان شدید. فکر می‌کنید این کم چیزی است. خلق شدن انسان آن هم از **نُظِفَّةٌ** خیلی چیز کمی است! می‌گویید: خیر، خیلی بزرگ است. پس بدانید قیامت هم در همان ساختار است. به نظر می‌رسد که قیامت عجیب‌تر از خلق انسان نیست. ولی تفاوت آن در این است که ما با این خلق عادت کردیم، ولی به آن عادت و انس نداریم. یعنی تفاوت آن در عجیب بودن یا نبودن آن نیست، بلکه در انس داشتن یا نداشتن است. اگر الان به ما بگویند که بچه‌ای متولد شده است که در حالت جنینی دو ماه خود است، می‌گوییم: مبارک است، ان‌شاءالله سالم به دنیا بیاید. وقتی به دنیا می‌آید، می‌گوییم: حتماً شیرینی بدهید و قربانی هم بکنید، همین، تمام می‌شود! ممکن است پدر و مادرش خوشحال شوند، البته بعضی اوقات ناراحت می‌شوند. اخیراً ممکن است بعضی‌ها از بچه دار شدن به دلیل مشکلات خودشان خیلی خوشحال نشوند. اصلاً حس عظمت نمی‌کنند. اینکه معجزه‌ای رخ داده است و موجود زنده‌ای متولد شده است، اصلاً از این خبرها نیست. به همین دلیل انسان‌ها وقتی بچه می‌بینند هیچ‌گاه ندیدیم که سجده کنند و بگویند: خدایا عجب عظمتی! می‌گویند: این همه انسان متولد می‌شوند این هم یکی از آنها، چیزی نیست، عادت شده است. در صورتی که اگر انسان فرآیندهایی که موجب تولد فرزند می‌شد را پیگیری می‌کرد، این‌طور نبود. خانم دکتری که روی جنین کار می‌کنند خیلی زیبا مبحث جنین شناسی را بیان می‌کنند. طوری که گویا معجزه بودن آن را با تمام گوشت و پوست خود درک کرده است و بعد با تمام وجود می‌خواهد بفهماند، ولی ما تعجب می‌کنیم از گویش او که چرا این قدر با تعجب می‌گوید، مگر چه اتفاقی افتاده است؟

خداوند مسائل قیامت را با مسائل خلقت عجین می‌کند. یکی از دلایل آن، این است که انسان بفهمد که قیامت وجود دارد و چیز عجیبی هم هست، ولی شما از این عجایب باز هم دیدید، بگردید و پیدا کنید. نمی‌خواهد شگفتی قیامت را کم کند. بعضی‌ها از آن طرف می‌افتند، شگفتی آن طرف

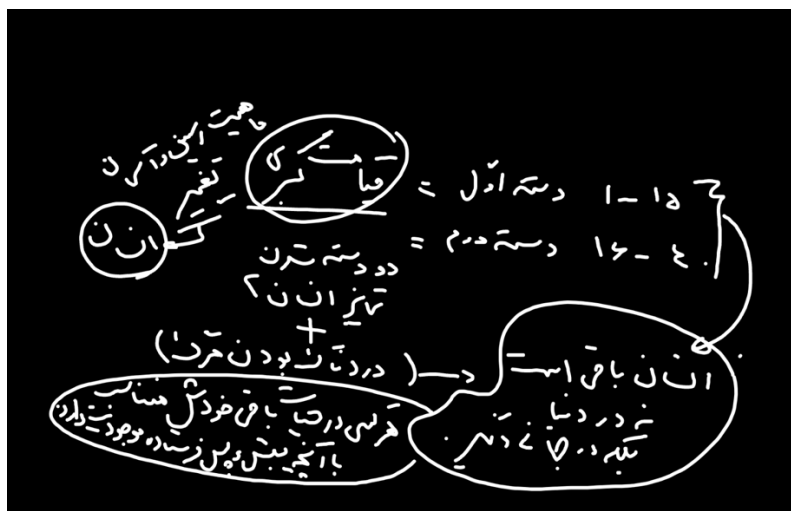
را می‌بینند بعد می‌گویند که قیامت که چیزی نیست. یک نفر باید بگوید: نه خیر، قیامت خیلی بزرگ است. انسان اعتدال ندارد، از آن طرفش می‌گیری از طرف دیگر می‌افتد. نه خیلی بزرگ است. نگاه کنید ببینید کل خورشید و ماه قرار است که با هم جمع شوند. یعنی در حقیقت انسان از این طرف و آن طرف می‌رود تا برای او جا بیفتد.

پس این قسمت اول سوره بحث قیامت کبری مطرح می‌شود.

■ در قسمت دوم سوره، این آیات باقیمانده صفات روز قیامت است البته از این نظر که مردم در آن روز چه حالی دارند. مردم در آن روز دو طایفه‌اند. وجه بعضی‌ها خیلی شکفته است و دل آنها خیلی شاد است و بعضی‌ها هم چهره خیلی درهم کشیده‌ای دارند و خیلی ناامید هستند و اشاره می‌کند به اینکه آغاز این تقسیم از زمان احتضار شروع می‌شود و بحث مرگ خیلی مهم می‌شود. یعنی یکی از مباحثی که در این سوره به صورت خاص و دردناک و خیلی ویژه روی آن کار می‌شود، بحث مرگ است که در خیلی از ادعیه معصومین علیهم‌السلام این بخش‌ها جزء مناجات آنها است که در دعای ابوحمزه داریم که **أَنْظِرْ مَرَّةً عَنْ يَمِينِي وَأُخْرَى عَنْ شِمَالِي** اینها جزء مناجات‌هایی است که ائمه اطهار علیهم‌السلام داشتند و خیلی مناجات‌های سنگینی هم هستند. همان خدایی که او را در آغاز آفرید، قادر است که بار دیگر او را زنده کند.

پس قسمت دوم بیشتر روی دو دسته شدن و تمایز انسان‌ها به علاوه دردناک بودن مرگ می‌رود. ولی معلوم می‌شود که این دردناک بودن مربوط به یک تعداد خاصی است. کسانی که مؤمن هستند این را ندارند. معلوم می‌شود که مرگ که این همه سخت است و این فشار را دارد برای مؤمن نیست هرچند که بعضی از روایات می‌گویند که بعضی از مؤمنین مرگ سختی را خواهند داشت که جبران آن اعمال دنیایی آنها را می‌کند و در روز قیامت راحت‌تر هستند.

■ پیام قیامت یک پیام روشنی است که هر چند انسان باور نمی‌کند و هر چه هم که انسان با خود کار می‌کند، ولی باز هم باورش نمی‌شود، ولی یک پیام کاملاً روشن است و آن هم این است که انسان باقی است نه در دنیا، بلکه در جهانی دیگر. این حرف قیامت است. این خیلی واضح است و اولین سؤالی که مطرح می‌شود این است که یعنی چه؟ یعنی آنجا ما هستیم و زنده می‌شویم؟ بله، زنده می‌شویم. کیفیت زندگی ما چیست؟ گزاره دوم این است که هر کسی در حیات باقی خود متناسب با آنچه پیش و پس فرستاده است، موجودیت دارد. یعنی شما باید از قبل در دنیا برای بعد خودتان پیش یا پس بفرستید. حال اینکه پیش یا پس بفرستید یعنی چه؟ چرا پیش بفرستید یا پس بفرستید، چون **قَدَمْتُ** و **وَأُخْرَتُ** این را سوره‌های مختلفی مطرح می‌کند مثل سوره انفطار و سوره‌های دیگر. بعضی اوقات می‌گوید **مَا أَحْضَرْتُ** و بعضی اوقات ما قدمت و آخرت، یعنی چه پیش می‌فرستید و چه پس می‌فرستید و چه کارهایی را می‌شود پیش فرستاد و چه کارهایی را پس.



از دقیقه ۴۰ تا ۵۰

این جنبه عمل سوره هم همین قسمت است. یعنی انسان به واسطه فهم خود در حوزه قیامت، وقتی انسان فهمید که باقی است نه در دنیا، بلکه در جهانی دیگر و فهمید که حیاتش حیات اخروی است، برای آنجا ویلا و قصر تهیه کند. هدف را بگذارد برای تهیه نقد نه نسیه. می گوید: ما تا حالا شنیده بودیم که دنیا نقد است و آخرت نسیه، چون آنجا باقی است. پس شما هر چه آنجا بفرستید، هست، ولی هر چه که اینجا هست، نیست. پس بنابراین اینجا نسیه است و آنجا نقد.

چقدر شیطان جَلَب بوده است که این حرف را عکس کرده است. یعنی می گوییم: چرا عمل صالح نمی کنید؟ می گوید: نقد را بچسب، نسیه را رها کن. یعنی شما می خواهید بگویید که وقتی مرید دیگر کارتان تمام است. اگر بگوید که نه تمام نیست، می گوییم: برای آن چون بی نهایتی وجود دارد. الان چهل سال یا هفتاد سال و ... است ولی آنجا دیگر همیشه است. خیلی سخت است. این حرف کمر انبیاء را شکسته است. انبیاء را به ضجه و ندبه و فغان و شیون واداشته است. هم برای خود و هم برای بقیه. یعنی وقتی می بینند که انسانها قرار است چهل سال یا پنجاه سال یا هشتاد سال یا حتی دویست در اینجا زندگی کنند، ولی اصل زندگی آنها در جای دیگری است و اصلاً درک نمی کنند که باید برای آنجا یک کار درست و حسابی انجام دهند، آنها خیلی به هم می ریزند و خیلی غصه می خورند و یکی از محل های غصه انبیاء و البته هر کسی که مؤمن است، سر همین موضوع است. هم غصه خود را می خورد، هم غصه دوست و آشنا و برادر و خانواده و اقوام خود را می خورد.

ممکن است که شما الان به مال و اموال و پست و مقام رسیدید، چهار سال است، شش سال است، هشت سال است، می بینید که دنیا چقدر دورش تند است و چقدر سریع می گیرند، چرا این کارها را می کنید؟

به هر حال این بحثی است که در سوره قیامت خیلی خلاصه مطرح می شود.

▪ نکته بعدی که دارد که خیلی مهم است، این سه تا نکته بود، نکته بعدی این است که انسان‌ها قبل از قیامت خود، می‌توانند اعجاز خداوند را در خلقت‌های دیگر درک کنند. این قدرت خدا در قیامت‌آفرینی را درک کنند. یعنی این طور نیست که شما برای رؤیت قدرت خدا برای ایجاد قیامت احتیاج داشته باشید که بگویید: صبر کنید. ما قیامت را که می‌بینیم قدرت خدا را درک می‌کنیم، از همین الان قدرت خدا را می‌توانید ببینید. همان طوری که انسان می‌تواند در ایام حیات خود، رایحه‌هایی از قیامت را لمس و حس کند یا ببیند. حال این می‌تواند در خواب یا در بیداری یا برای بعضی‌ها در فکر، برای بعضی‌ها در شهود باشد. انواع دارد، یعنی بعضی‌ها شهودی می‌بینند و بعضی‌ها در فکر می‌بینند، بعضی‌ها در خواب می‌بینند، بعضی‌ها هم در بیداری می‌بینند. امکان رؤیت در این زمینه وجود دارد.

این هم یکی از نکته‌های بسیار مهم این سوره می‌باشد. من دارم کلیات سوره را می‌گویم؛ بعد روی جزئیات آن می‌رویم. اما این کلیات مهم است.

▪ نکته مهم بعدی این است که اگر قرار بود برای انسان قیامتی نباشد خدا اساساً او را خلق نمی‌کرد. فلسفه‌ی خلقت انسان در امتداد آن و به وسیله قیامت است. مثل این است که خلقت انسان شبیه یک برداری است که بخش مهم و اساسی آن در قیامت شکل می‌گیرد.

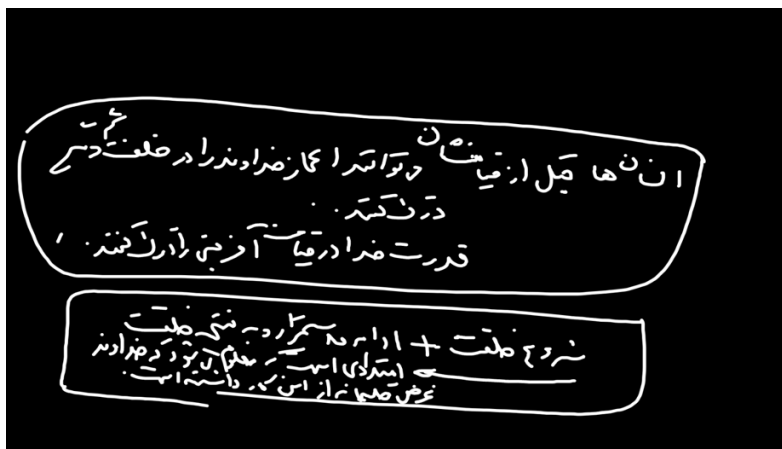
سؤال: فقط انسان یا سایر موجودات هم همین است؟

پاسخ: بعضی از افراد مثل حضرت علامه در بعضی از سوره‌ها اعتقادشان برای همه موجودات است؛ فقط انسان نیست. اما روی چگونگی آن صحبتی نمی‌کنند. اما در سوره انعام علامه یک بحثی راجع به این موضوع دارند. مرحوم ملاصدرا که اصلاً یک کتاب دارد به نام کتاب الحشر. البته به نظر یک مقاله بوده است که آن را جمع‌آوری کرده‌اند. او صراحتاً اعتقاد دارد که قیامت فقط مربوط به انسان نیست؛ بلکه همه موجودات قیامت دارند. علامه که اصلاً اعتقادشان این است که نه تنها قیامت دارند، بلکه بسیاری از موجودات حساب و کتاب دارند. این را از آیات استنباط می‌کنند.

سؤال: آیه سی و هشت است.

پاسخ: بله؛ آیه سی و هشت است که آنجا مطرح می‌کند. حال اینکه این چگونه و چطور است خیلی محل تأمل است. اما بحث بسیار جالبی را در سوره انعام مطرح می‌کند. بعضی بخش‌های المیزان خیلی خاص است. ذیل آیه سی و هشت حضرت علامه یک بحث این طوری مطرح می‌کنند. اگر فرصت کردید حتماً این متن را بخوانید. نکات بسیار مهمی دارد و البته خیلی چیزها را سربسته مطرح می‌کنند و اصلاً آن را باز هم نمی‌کنند. اما چیزی که هست این است که شروع خلقت و ادامه و استمرار و به نتیجه رسیدن خلقت، یک امتدادی است که معلوم می‌شود که خداوند یک غرض حکیمانه‌ای از این کار داشته است و انسان را رها نکرده است. هر چند که انسان‌ها خودشان را از دست خدا رها می‌کنند، اما خدا انسان را

رها نکرده است و هر چند که خیلی از انسان‌ها خود را در معرض آتش جهنم قرار می‌دهند اما خدا باز این امتداد را قرار داده است و خیلی دلایل مهمی دارد که چرا این اتفاق افتاده است.



ظرف قیامت یک ظرفیتی از جزا را به انسان می‌دهد که ظرفیت دنیا به هیچ وجه آن جزا را نمی‌دهد. خیلی افراد سعی کرده‌اند راجع به این موضوع صحبت‌های مفصلی بکنند، مقاله‌هایی نوشتند، کارهایی کردند؛ به ویژه فلاسفه. آنها که اشراقی هستند، در این زمینه خیلی مطلب دارند که ظرفیت روز قیامت خیلی زیاد می‌شود به چه معناست. ما فعلاً به آن بحث‌ها کار نداریم تا ببینیم خود این سوره به چه صورت می‌شود.

پس چهار محور به نظرم در این سوره جزء محورهای مهم است:

یکی اینکه انسان باقی است نه در دنیا.

یکی اینکه هر کس آن حیات باقی خود را خودش می‌سازد. این طور نیست که فرد دیگری هم بسازد. باید از اعمال و دستاوردهای خودش باشد. از دستاوردهای فرد دیگری نیست.

نباید انتظار داشته باشد که یک اعمال دیگری بیاید آن را بسازد.

از دقیقه ۵۰ تا ۶۰

آن تصویری که در دنیا داریم، مثلاً اگر ما نتوانستیم به مال و اموال برسیم، پدر ما برای ما خانه می‌خرد، آنجا دیگر این طور نیست. هر کس خودش پول داشت خانه دارد. هر کس هم که نداشت آنجا پدر ندارد. این طور نیست. ما دقیقاً عکس این را فکر می‌کنیم. می‌گوییم ما آنجا امیرالمؤمنین علیه السلام را داریم. برای ما خانه می‌سازد، یک قصر. در دنیا بله؛ ممکن است اگر کسی خانه نداشته باشد برایش خانه بسازند. مثلاً دولت

بیاید و یک کلیدی هم بدهد یا مثلاً قرعه کشی هم کنند. یک مرتبه یک ماشین و خانه به نام فردی در بیاید. آنجا این طور نیست. نه قرعه کشی هست نه به کسی خانه ای می دهند نه پدری هست که خانه بخرد.

سؤال: شفاعت ...

پاسخ: شفاعت هم در این ساختار این طور که ما فکر می کنیم نیست. شفاعت هم یک وضع تکوینی دارد که این را نیز حضرت علامه در آیه چهل و هشت سوره بقره مطرح می کنند. شفاعت را به طور کامل می گویند. شفاعت وضع تکوینی دارد. وضع جعلی قراردادی ندارد. حال شفاعت هم داستانی دارد که باید یک زمانی ... ما نمی توانیم به شفاعت این طور که دل خوش کردیم دل خوش کنیم.

سؤال: می گویند پنجاه موقف هست. مثلاً تا موقف چهل و نهم هیچ حرفی از شهادت زده نمی شود. همه اعتقادات و..... دم درب بهشت یا دم درب جهنم مشخص می کند که چقدر مشمول شفاعت هستیم. یعنی کل آن چهل و نه موقف را باید خودمان طی کنیم.

پاسخ: بله؛ حال ما را طوری دل خوش کرده اند که با همان یکی همه مواقف را می رویم. اصلاً همان که ما می میریم از همان اول تا چهل و نه را رفتیم. تصورات اشتباهی که ما درباره قیامت داریم کار دست ما می دهد. هر چند آدم های خوبی هستیم، آدم های بدی نیستیم، حتماً بهشت می رویم. گمان ما به اینکه حتماً ما را به بهشت می برند خود بسیار مؤثر است. خود همین گمان پاداش دارد. اما آنجا یوم التغابن، یوم الحسرت، اینها را که نمی شود نادیده گرفت. هر کس کوچک ترین ضعفی در اینجا داشته باشد، آنجا بازتاب آن وحشتناک می شود. یعنی مثلاً یک مقدار کم حسد داشته باشد، یک صفت ناجور داشته باشد، در بعضی از حوزه ها نقص داشته باشد، مرتکب یک گناهی شود، گناه، منظور حق الناس است. منظور ما چیزی است که در شرع گناه است و انسان توبه نکند و مقدراتش را برای خود تأمین نکند. آنجا بازتاب آن خیلی شدید و سنگین است و بدی آن این است که خلود دارد و امکان بازگشت آن مثلاً ممکن است چندین هزار سال طول بکشد تا انسان بخواهد چیزی را تغییر بدهد. وضع دنیا این طور نیست. واقعاً من بعضی وقت ها فکر می کنم ای کاش می شد در دنیا ماند.

سؤال: نامفهوم

پاسخ: بله؛ اما نسبت دارد. انسان ها می توانند همین الان توجهشان را به قیامت جلب کنند.

اگر انسان بداند که دنیا چه جایی است و بداند از این دنیا باید چه توشه ای ببرد و چه کاری باید بکند، خیلی خوب است. متوجه بشود. یعنی واقعاً بداند باید چه کار کند. دنیا دار تحول و تغییر است. یعنی شما یک صفت را می توانید به راحتی عوض کنید. به راحتی می توانید توبه کنید. به راحتی می توانید یک شبه ره صد ساله را بروید. به راحتی می توانید یک صفت شجاعت را که ندارید بیاموزید، محل آموزش است. می توانید تا دلتان

می‌خواهد مطلب بیاموزید؛ صفت‌های خیر. در قیامت فقط محل بهره‌برداری است. یعنی شما باید از آن شجاعتی که به دست آوردید بهره ببرید. فقط باید بهره ببرید، فقط باید استفاده کنید.

سؤال: در آن مسئله‌ای که فرمودید ماهیت انسان تغییر می‌کند، ماهیت اعمال ... تغییر می‌کند.

پاسخ: بله، ماهیت اعمالش هم تغییر می‌کند. در سوره‌های دیگر دارد که مثلاً انسان یک مدتی بد است، بعد توبه می‌کند. همه اعمال بد او را تبدیل به حسنه می‌کند **يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ**^۲؛ یا حبط عمل می‌شود، یعنی اعمال خوب او را کامل از بین می‌برد. این را سوره مبارکه محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به طور کامل توصیف می‌کند. یا دچار ضلّ اعمال می‌شود یا دچار حبط اعمال می‌شود. اما ای کاش انسان یک موقع این را ببیند یا در خواب ببیند یا اگر باورش نمی‌شود مثل این افراد زندگی پس از زندگی، یک دفعه یک مقدار به آن طرف برود و برگردد. ببیند چه خبر است. در دنیا خیلی چیزها قابل تغییر است! برخلاف این تصویری که ما داریم که می‌گوییم مگر می‌شود یک نفر که یک صفتی دارد، بخواهد برطرف کند. من هم خودم خیلی وقت‌ها همین را می‌گویم. می‌گویم: مگر می‌شود یک فردی که مثلاً یک صفتی دارد در دنیا بخواهد آن را برگرداند. اما با وجود اینکه خود من هم خیلی وقت‌ها می‌گویم و دیده‌ام و تعجب کرده‌ام که یک نفر تغییر کرده است. اما وقتی به نسبت قیامت نگاه می‌کنم، نگاه می‌کنم و می‌بینم چقدر دنیا محل خوبی است. اصلاً قابل مقایسه با قیامت نیست، از این جهت که شما هر طور بخواهید می‌توانید علوّ پیدا کنید و بالا بروید! هر طور که بخواهید! چه می‌خواهید بشوید؟ مثلاً می‌خواهید به مقام انبیاء برسید؟ یا علی! بیایید این کار را بکنید! می‌خواهید به مقام شهدا برسید این کار را بکنید! شما چه می‌خواهید؟ می‌خواهید صالح شوید؟ بیایید این کار را بکنید. می‌خواهید صادق شوید بیایید این کار را بکنید. در دنیا این طور است. اما در آخرت این طور نیست! هر کسی هر چه شد، هر کی سر جای خود. تعبیر فلاسفه این است. خیلی تعبیر خوبی هم است. به نظرم بعضی از فلاسفه خیلی خوب باز کرده‌اند. می‌گویند که به فعلیت می‌رسد، دیگر قوه نیست. در دنیا قوه دارید. آنجا دیگر فعلیت است. هر چه شد. آنجا دیگر قوه نیست. هر چه هست دیگر فعلیت است. من از همین الان غصه‌ام گرفته است که آنجا می‌روم بگویم که ای کاش به دنیا برگردم یک صفتم را تغییر دهم! نمی‌دانید. هر روز دارم همین کار را می‌کنم. فکر می‌کنم آن طرف هستم. به خودم می‌گویم ای کاش به دنیا برمی‌گشتم، یک صفتم تغییر می‌کرد، یک چیز دیگر تغییر می‌کرد، یک کمی دیگر تغییر می‌کرد. یک کمی تغییر می‌کردم. چون آن یک درجه‌ای که تغییر می‌کنید آن طرف خیلی انعکاس دارد.

^۲. سوره مبارکه فرقان آیه ۷۰

یک زمانی برایم جالب بود. یک معلم هنر داشتیم می گفت من یک دستگاه اختراع کردم. البته بعد فهمیدیم اختراع نکرده است و دیده است. اما این روی نقطه مختصات می کشید آن طرف شکل در می آورد، حتماً دیده‌اید. اما ما نمی دانستیم. فکر می کردیم او اختراع کرده است. دستگاه را می آورد. یک خط کش بزرگ بود. یک عکس کوچک می گرفت روی آن همین طور می کشید. بعد آن طرف یک عکس بزرگ در می آمد. می گفتیم چقدر جالب است. آن عکس کوچک این قدر تغییر می کند. آن طرف چقدر فشنگ آن تصویر را می کشد. دنیا و آخرت یک چنین چیزی است. یعنی شما کوچک ترین تغییری که اینجا می دهید آن طرف به طور واضح بسیار متفاوت می شود.

از دقیقه‌ی ۶۰ تا ۷۰

لذا اگر یک نفر بگوید در دنیا ما چه کاری باید انجام بدهیم که بهترین کار باشد، ما می گوئیم: فقط تحول، فقط اصلاح، تغییر. کاری کنید که روز به روز، آدم دیروز نباشید. یک کاری انجام بدهید که فردا مثل دیروز نباشید. جای می خواهید بخورید یک طور دیگر بخورید. هر کاری می خواهید انجام بدهید. در تحول، تهور داشته باشید. بی باک باشید. منظور از تحول هم یعنی رو به جلو. رو به عقب را هیچ وقت تحول نمی گویند. بعضی برای اینکه اثبات کنند تحول دارند، برعکس می روند. برعکس رفتن را تحول نمی گویند، آن را به فقهه‌ها رفتن می گویند. خداوند دوست دارد کاری کنید که تحول در شما به فعلیت برسد و در روز قیامت صفت تحول شما جزا داشته باشد.

شما صفت‌های مختلفی می توانید داشته باشید، ولی یک صفت هم تحول است، به این می گویند، **قَلْب**.

مَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ^۳، در سوره مبارکه قاف می گوید. **مَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ**، یعنی این صفت او، صفت تحول است؛ **قَلْب** دارد. کسی که صفت **قَلْب** دارد، آن طرف صفت **قَلْب** دارد، یعنی صفت تحول دارد. بنابراین تحول به فعلیت می رسد.

در بین همه‌ی صفت‌هایی که انسان از دنیا برای آخرت می برد. صفت تحول، بالاترین صفت است. چرا؟ چون اگر قرار باشد آنجا محل ثبات باشد، وقتی تحول تثبیت می شود، یعنی ارتقاء انسان همیشگی می شود.

سؤال: نامفهوم

پاسخ: آنچه پس می فرستد و پیش می فرستد. بعداً که راجع به عمل صحبت می کنیم، خواهیم گفت که عمل مثل ولد و فرزند است. بعضی از فرزندان برای خود شما هستند، بعضی برای نوادگان شما هستند. ان شاء الله که زنده باشید، ولی وقتی از دنیا می روید، به تعداد فرزندان که دارید، هر تعداد

^۳ سوره مبارکه ق، آیه ۳۷

که آنها فرزند مؤمن متولد می کنند ذخیره برای شما حساب می شود. چه تعداد هستند؟ نمی دانیم. یک میلیارد هستند، دو میلیارد هستند، نمی دانیم. الان نیست. بعداً به شما اضافه می شوند. **مَا أَخْرَتْ** است. **مَا قَدَمْتُ وَأَخْرْتُ**، اینکه کدام یک از اعمال به انسان می رسد، اینها قاعده دارد. باید راجع به قواعد آن با هم صحبت کنیم. آیا همه ی اعمال **مَا أَخْرَتْ**، به انسان می رسد؟ هر عملی؟ قاعده ی آن به چه صورت است؟ اگر شد، راجع به این صحبت می کنیم.

سؤال: نامفهوم

پاسخ: بله، بستگی به خودش دارد. بستگی به خود انسان دارد. اگر وضعیت انسان طوری باشد که بین اعمالش بتواند سبک و سنگین کند. اعمال به نسبت خودش، سبک، سنگین می شود. وزن هر عملی به خود انسان وابسته می شود. اما **قَدَمْتُ وَأَخْرْتُ**، به نظرم، تقدم رتبی نیست. البته اشکال ندارد، تقدم رتبی هم باشد. هر نوع تقدم و تأخیری را می تواند شامل شود.

سؤال: نامفهوم

پاسخ: اینجا، چند بحث مهم مطرح می شود. در مورد اینکه راجع به چه چیزهایی در حوزه قیامت باید ما علم پیدا کنیم، یک فهرستی داشته باشیم.

رابطه عمل و انسان در قیامت

من چند مورد را به بهانه سؤالی که شما پرسیدید می گویم.

یکی از موارد این است که عمل چگونه به انسان ملحق می شود؟ الحاق عمل در روز قیامت به انسان به چه شکل است؟ الحاق عمل و الحاق جزای عمل به چه شکل است؟ یک موقع شما راجع به خود عمل صحبت می کنید، یک موقع راجع به پاداش عمل صحبت می کنید. آیا در روز قیامت عمل هم به انسان ملحق می شود؟ یا فقط پاداش ملحق می شود؟
الان دو سؤال شد.

چه چیز در روز قیامت به انسان ملحق می شود؟ پاداش یا عمل؟

آیا اعمال دیگران هم به او ملحق می شود؟ یا فقط اعمال خودش به او ملحق می شود؟

اگر اعمال دیگران به او ملحق می شود، چه اعمالی ملحق می شود؟

وقتی که اعمال به انسان ملحق می شود، چگونه اینها حساب می شوند؟ برآیند آنها حساب می شود؟

مثلاً ده تا حسنه دارد، سه تا سیئه کم می شود، هفت تا می شود. این طور حساب می شود؟ به چه صورتی حسابرسی و حساب کشی می شود؟

اینها سؤالات مهمی هستند که انسان باید بداند.

آنجا جنس جزا به چه صورت است؟

جنس عملی که آنجا به انسان ملحق می‌شود به چه شکل است؟ جنس آنها تغییر می‌کند؟ چون اینجا جنس عمل، مثلاً پول است، فرزند است. مثل دلار، وقتی شما می‌خواهید به مسافرت بروید، از این کشور به آن کشور می‌روید، آن را تغییر می‌دهند. آیا این تغییر می‌کند؟ یا عین خودش است؟ عین آن می‌آید یا با تغییر می‌آید؟

اینها مواردی است که باید راجع به آن حرف زد.

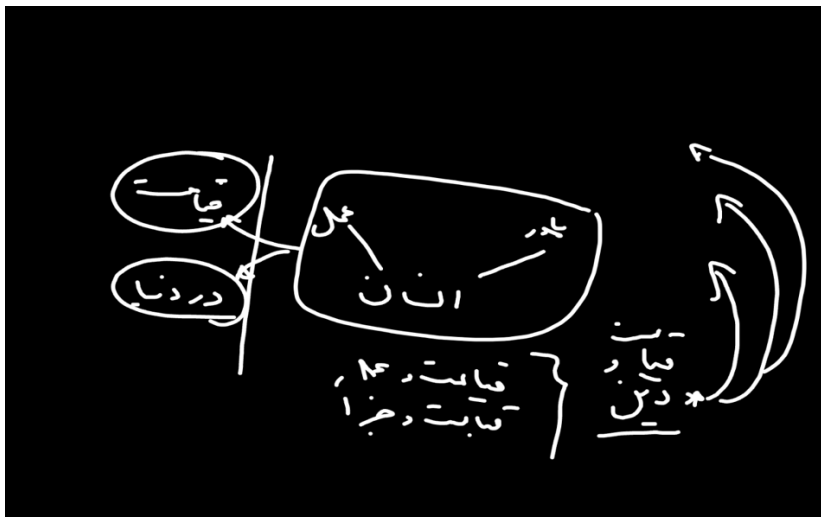
یکی از مهم‌ترین موضوعات رابطه‌ی عمل و انسان در قیامت است.

از دقیقه‌ی ۷۰ تا ۸۰

البته باید بگوییم که انسان باور دارد و عمل. این باور و عمل در دنیا و قیامت به چه شکلی است؟

پس شد:

- قیامت و عمل
- قیامت و جزا
- قیامت و دین



دین حالت‌های مختلف پیدا می‌کند که اینجا نمی‌خواهم برای شما فهرست درست کنم. ولی از همین الان شما می‌توانید در دفتر خودتان که خلاصه مطالب را می‌نویسید یک صفحه بگذارید و بنویسید: سؤالاتی در مورد قیامت که یک نفر باید پاسخ آنها را به شما بدهد. یک جایی باید بلد باشید.

ممکن است کسی جایی برای شما بگوید یا در یک روایتی ببینید. ولی سؤال باید حتماً برای شما مطرح شود. ما معمولاً در مورد قیامت سؤال خوب

نداریم. یعنی الان اگر از یک جمعیتی بپرسیم سؤالات شما در مورد قیامت چیست؟ نود درصد که می‌گویند: چه زمانی قیامت می‌شود؟

یک کنفرانس علمی تشکیل داده بودند و نماهنگ آن را هم پخش کردند. یک محقق در آن برنامه گفت که من تحقیق کردم تا چندین هزار سال

دیگر قیامت واقع نمی‌شود، خیال شما راحت باشد. فکر کرده بود همه ناراحت هستند که قرار است قیامت شود. گفت به این زودی نیست. دویست

سال یا سیصد سال آینده نیست. من محاسبه کرده‌ام این قدر سال طول می‌کشد؛ نگران نباشید. وقتی می‌گوییم راجع به قیامت سؤال بپرسید، یکی از

سؤالات در ذهن آدم‌ها راجع به زمان قیامت است. خیلی سؤالات آنها متأثر از برنامه‌های پس از مرگ است.

دالان نور کجا است؟ دالان ظلمت کجا است؟ اصلاً دالان وجود دارد؟ ما را هم داخل دالان می‌برند؟ انسان وقتی می‌میرد، چه اتفاقی برای او

می‌افتد؟ برزخ او چگونه است؟

شما در برزخ بروید یا نروید مهم است؟ خیر.

در دالان بروید یا نروید مهم است؟ خیر. گذر می‌کنید.

پس چه چیزی مهم است؟ شکل‌گیری یک زندگی در آنجا مهم است.

ما همین قدر هم اینجا زندگی کردیم خیلی هم جذاب نیست، حالا شما می‌خواهید از بقا صحبت کنید. چیزی بگویید که آدم دلش خوش باشد.

حرف از بقا می‌زنید، اصلاً بقا یعنی چه؟ در جایی که عمل نیست فقط پاداش است، بقا یعنی چه؟ حوصله آدم سر می‌رود. اینجا انتخابات داریم و

کلی هیجان دارد. دلار بالا و پایین می‌شود. آنجا دیگر از این خبرها نیست. همه خوب‌ها با هم هستند، بد‌ها هم با هم هستند. تنش و استرس و نگرانی

هم نداریم.

نوع زندگی که آنجا شکل می‌گیرد به چه شکلی است؟

شما تصور کنید اگر برای کسی، خدا در وجودش معنا پیدا نکند و اتصال به خدا برای او مفهوم نداشته باشد و مناجات با خدا را نفهمد. به هر دلیلی

متوجه ارتباط با خدا نشود، در قیامت می‌خواهد چه بکند، کجا می‌خواهد برود؟

چیزی که زندگی روز قیامت است، اتصال با خدا است. یعنی اگر کسی حقیقتی به نام خدا برای او موضوعیت نداشته باشد در هر حالتی و در

هر چیزی که باشد او در جهنم است. متوجه هستید؟ ماهیت جهنم. ماهیت جهنم یعنی انقطاع از پروردگار. حال شما تصور کنید انسان در طول عمرش

اصلاً اتصال به خدا را نفهمد، تجربه نکند، نیندوزد، ارتقاء ندهد، به فعلیت نرساند. آنجا می‌خواهد چه کار کند؟ چون مثل اینکه پاداشی که خداوند

دارد می‌گوید و جزائی که خدا می‌گوید اصل آن رضایت و اتصال و قرب به خدا است. اگر برای کسی قرب به خدا موضوعیت نداشته باشد و در طول حیات خود نفهمد که شهدا در قهقهه مستانه خود **عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ**^۴ هستند یا به وجه الله نظر می‌کنند یعنی چه؛ این را نفهمد، یا اصلاً برای او موضوعیت نداشته باشد، آنجا می‌خواهد چه کار کند؟ می‌دانید؟ اصلاً قیامت تمام هویت خود را در لقاء الله گرفته است. در یک اتصال تنگاتنگ با خدا. لذا شما هر عملی که در دنیا انجام می‌دهید می‌گویید: قربة الی الله و اگر آن عمل را قربة الی الله انجام ندهید، می‌گویید: آن عمل قبول نیست. اینها از آموزه‌های دین بوده است که برای ما بوده است. ما نمی‌دانیم که ذخیره قیامت محبت به خدا اتصال به خدا است. به همین دلیل وزن اعمال ما در این زمینه به شدت فقیر است. یعنی این طور نیست که حبّ ما به خدا روز به روز زیاد شود. اتصال ما به خدا زیاد شود. چون روز قیامت اصلاً چیزی جز خدا معنا ندارد.

پس، در گوشه‌ای از یک دفتر سؤالات خود را بنویسید. مهم‌ترین بحث که در زندگی انسان باید به آن پردازد، نمی‌گویند بعد از توحید، بلکه گاهی می‌گویند مهم‌تر از توحید، بحث قیامت است. اینکه چرا مهم‌تر است دلایل آن را هم می‌گویند. نه که از نظر علما علم توحید اشرف است، از جهت عملی قیامت شرافتش بیشتر است، چون انسان را به سمت عمل تحریک می‌کند. ولی توحید انسان را ممکن است خیلی خوش خیال هم بکند. در قیامت است که انسان‌ها به حرکت واداشته می‌شوند. به همین دلیل مهم‌ترین موضوع که چیزی حدود ثلث قرآن، حداقل یک سوم قرآن آیه به آن اختصاص پیدا کرده است ضعیف‌ترین بخشی است که ما در زندگی خود راجع به آن مطالعه کردیم، کتاب خواندیم، اطلاع داریم، سؤال داریم، از کسی پرسیدیم، یا قرآن خواندیم، قرآن را از آن ناحیه خواندیم. یک کتابی دارند حضرت علامه خیلی خوب است. من یک زمانی پیدا کردم که خیلی هم جالب بود. اسم آن حیات پس از مرگ است، ترجمه کرده‌اند. خیلی هم ترجمه روانی است. نمی‌دانم ترجمه برای خودشان است یا نه، ولی فکر کنم برای خودشان بوده است. خیلی دسته‌بندی‌های خوب و مطالب خوب دارد. یکی از رساله‌های ایشان هم راجع به انسان قبل از دنیا، حین دنیا، بعد از دنیا که مربوط به قیامت است، خیلی مطالب خوبی را بیان می‌کنند.

از دقیقه‌ی ۸۰ تا ۹۰

درک خیلی خوبی علامه نسبت به قیامت دارند. به نظرم حیف است که مطالعه آدم راجع به قیامت کم باشد. اغلب خطاهای ما مربوط به این است که در مورد قیامت خیلی کم می‌دانیم. حتی جهت‌گیری اعمال ما چون در مورد قیامت خیلی از چیزها را نمی‌دانیم پرشتاب و پراقتناء نیست. اصلاً

^۴ سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۶۹

ما تعجب می‌کنیم یک نفر مثل آقای شهید رئیسی را می‌بینیم تعجب می‌کنیم این چرا این طوری دارد دست و پا می‌زند و تلاش می‌کند. آن قدر می‌دود. چرا از خواب خود می‌زند. این تلاطم برای چه هست؟ انسان از تلاطم دیگران رنج می‌برد. یک موقع یک دوستی می‌بیند که شب و روز نمی‌شناسد اعصاب او خورد می‌شود. می‌گوید: یعنی چه؟ آدم باید یک مقدار آرامش داشته باشد. مگه می‌شود آرامش نداشت؟ این می‌شود که انسان روزهایش را یکی یکی از دست می‌دهد. الان از هر کدام از ما سنی گذشته است. چیزی دیگر تا آخر عمر ما باقی نمانده است. یک نفر ده سال دیگر مانده است، یک نفر بیست سال دیگر مانده است، یک نفر دو سال دیگر مانده است. اصلاً چیزی نیست. دو سال دیگر تا آخر عمر چیزی نیست. سی سال دیگر تا آخر عمر چیزی نیست. بعضی‌ها به من می‌گویند: ما با خانواده خود اختلاف داریم. سی سال و بیست سال آن قدر نیست که شما می‌خواهید به بعضی چیزها پردازید. بعضی‌ها می‌گویند: نه، همین بیست ساله آن را هم باید خوب زندگی کنیم. می‌گویم: بله، اشکال ندارد. ولی حساب کنید این بیست سال اتس. تا می‌خواهید به خودتان بچینید ده سال آن رفته است. این محاسبه را بکنید. بعد هم پردازید به آن چیزی که باید در این سی سال پردازید. یک وقت نشود مشکلات زندگی دنیا، خانه نداشتن، ازدواج نکردن، بچه داشتن، مشغله داشتن آن قدر یک مرتبه حواس ما را پرت کند که یک دفعه بفهمیم همه آن کارهایی که باید می‌کردیم نشده است.

چرخه موت و حیات در دنیا

دنیا چند خصوصیت جالب دارد. یکی این است که مرگ در دنیا لحظه‌ای است، دوره‌ای است و مرتبه‌ای است. جبران بعضی از مرگ‌ها به هیچ وجه امکان‌پذیر نیست. یعنی مثلاً این مرتبه شما رفت، با اینکه در دنیا هستید اما امکان جبران ندارد. بستگی دارد. قانون دارد. مرگ در دنیا لحظه‌ای است، مرحله‌ای است، مرتبه‌ای است. انسان در بعضی از مرگ‌های خود وقتی فوت بشود دیگر نمی‌تواند کاری بکند. یعنی شما دیگر نمی‌توانید برگردید. مثلاً یک نفر یک درسی خوانده است و یک شغلی انتخاب کرده است. دیگر نمی‌تواند برگردد. دارد به جلو می‌رود. یک تغییراتی می‌دهد، ولی دیگر نمی‌تواند مثل آن حالت ... جهت اطلاع، چیزی که راجع به دنیا به ما گفتند و خاطر مو را آسوده کردند، اغلب دروغ است. ما را وعده سر خرمن دادند که جبران می‌شود؛ اغلب دروغ است. نمی‌خواهم بگویم خدایی نکرده ... از این طرف می‌گیریم. از آن طرف می‌افتد. نمی‌گویم آدم‌ها ناامید بشوند. ولی این جوری هم نمی‌شود زندگی کرد. یعنی بی‌خیال و بی‌دغدغه قیامت، بی‌دغدغه خدا و بی‌دغدغه اولویت‌های اصلی و درگیر مسائل حاشیه‌ای و... یک روز این مسئله، یک روز آن مسئله... بعد هم یک مرتبه ... بعضی از صفات را فقط در بعضی از ایام عمر می‌توانید شکوفا کنید. در بقیه عمر نمی‌توانید شکوفا کنید. انسان در دنیا خیلی قابلیت جبران دارد. ولی با وجود اینکه آن قدر قابلیت جبران دارد، خیلی هم قابلیت جبران ندارد.

بعداً اینها را یکی یکی می‌توان مثال زد. ما یک مرتبه خیلی به سمت خوش خیالی رفتیم. خیلی یک مرتبه احساس رحمت الهی کردیم؛ خوب نیست. یک مقدار آدم باید واقع‌گرا باشد، مرگ هست. شما دوره اول سن خود باید به یک سری حقایق می‌رسیدید، دوره دوم باید می‌رسیدید، می‌توانستید جبران کنید. سوم می‌توانستید جبران کنید، نکردید. چهارم می‌توانستید. بعضی وقت‌ها واقعاً نمی‌شود. پس بنابراین یک مقدار دانستن این مسائل شما را پیر می‌کند؛ پیر خردمند، نه پیر فرسوده. یعنی بچه‌ها و دوستان خود را به کارهایی توصیه می‌کنید و دلیل برای آن می‌آورید. **كُونُوا دُعَاةَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ الْمَسْتَكْمِ**^۵ می‌شوید. آدم‌ها می‌فهمند شما واقعاً به یاد قیامت هستید. چهره مؤمن باید اضطراب مرگ و اضطراب جزای قیامت را در خود نشان دهد. هر کس چهره مؤمن را می‌بیند باید بفهمد که او نگران قیامت خود است؛ حس کند. بله، خیلی‌ها به خاطر اینکه می‌فهمند مؤمن اضطراب مرگ و اضطراب جزای قیامت را دارد به سمت این می‌روند که سر او کلاه بگذارند و خیلی وقت‌ها هم موفق می‌شوند، اشکالی ندارد. چون این موضوع خیلی مهم است. او سر خودش را دارد کلاه می‌گذارد. بله، او فهمیده است که شما مؤمن هستید و دست خود را روی قرآن می‌گذارد و قسم دروغ می‌گوید. اما می‌پذیرید. خیلی چیزها را می‌پذیرید با اینکه می‌دانید این نیست. نمی‌توانید هیچ حرفی بزنید. مؤمن هیچ حرفی نمی‌تواند بزند. خیلی وقت‌ها نمی‌تواند از خودش دفاع کند. به او تهمت می‌زنند، می‌ترسد از خودش دفاع کند. خیلی از جاها مجبور است سکوت کند. باید این ترس نمایان بشود. به حدی است که معاویه می‌داند امیرالمؤمنین علیه‌السلام کجا نقطه ضعف دارد. امیرالمؤمنین علیه‌السلام در موضوع قیامت نقطه ضعف دارد. هر کاری را نمی‌کند. از قیامت می‌ترسد، وحشتناک هم می‌ترسد. معاویه هم می‌داند. قرآن‌ها را بالای نیزه کرد، درست است؟ نامه‌های نهج البلاغه را که بخوانید که به معاویه می‌دهند، یکی از بحث‌های مهم آن همین موضوع است. بحث ترس از قیامت است.

ما یک دور سوره را خواندیم. موت و حیات انسان عجیب با هم است. در هر نفسی که حیات برای او می‌رود، یک موتی اتفاق می‌افتد. **خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا**^۶. این آن لحظه می‌شود. تا انسان نمیرد، حیات پیدا نمی‌کند. ظرفیت حیات هر کسی به موت او است. موت هر کسی مثل شب می‌ماند. در حقیقت مقدمه حیات او است.

از دقیقه ۹۰ تا ۱۰۰

حیات هر کسی مقدمه موت بعدی او است. مثل چرخه می‌ماند. اگر کسی خوب زندگی نکرد، عمل صالحی انجام نداد، ما این را بعداً تبدیل به

^۵ الکافی، جلد ۲، صفحه ۷۸

^۶ سوره مبارکه ملک، آیه ۲

ساعات روز می کنیم، از لحظه می آوریم به روز، به دلیل اینکه راحت شویم. مثل خمسی که می گویند آخر سال بشمارید، عمل ها را هم می گویند پایان روز بشمارید. از لحظه لحظه بیاید تا پایان روز. اگر انسان ما به ازای زمانی که می دهد عمل صالح نگیرد، موتی که دریافت می کند حیات پست تر می گیرد. حیات او بالا نمی رود، حیات او ضعیف تر است. پس روز بعد قوت عمل صالح او کمتر خواهد بود. اگر دومرتبه فراموش کرد، یادش رفت، روز بعد کمتر می شود. موت و حیات است دیگر! همین طوری فروکاست پیدا می کند اسم این را بور می گویند. انسان بور می شود. بور به فروکاستی حیات تا هلاکت است.

این حیات می تواند ارتقائی باشد، می تواند فروکاستی باشد. فروکاستی آن این گونه است: امروز عمل صالح متناسب انجام نشد. یک موت دارد، ظرفیت آن تنگ می شود. روی آن موت که یک حیات می آید سوار بشود، حیات آن کوچک تر است.

سؤال: نامفهوم

پاسخ: البته برای بعضی ها دارالقرار هم هست.

روز قیامت این طوری حیات پیدا می کند. از وقت خود خوب استفاده می کند. عمل صالح انجام می دهد، یک مرگ خوب دارد. ظرفیت مرگ او یک حیات بالاتری می گیرد و همین طور بالا می رود. سوره فجر می شود. می گویند در دهه ذی الحجه حتماً سوره فجر را بخوانید. ان شاء الله بهشت نصیب شما می شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْفَجْرِ ﴿١﴾ وَلَيَالٍ عَشْرٍ ﴿٢﴾ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ ﴿٣﴾ به سمت يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿٢٧﴾ می رود. این حیات که بالا می رود به این سمت می رود. آن سمت آن چیست؟ وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ ﴿١٠﴾^٧ و همین طور پایین می آید. بعد از آن إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ ﴿١٤﴾ می شود، بعد در ذهن خود می گوید که وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ، بعد ابتلا به آن می شود، اکرام به او می کنند، یک جور فکر می کند. وقتی از او می گیرند، یک جور فکر می کند. بعد به او می گویند: بَلْ لَأُتَكْرِمُوكَ أَلَيْتِمٌ ﴿١٧﴾ وَلَا تَحَاضُونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ ﴿١٨﴾ وَتَأْكُلُونَ التَّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا ﴿١٩﴾ وَتَحِبُّونَ الْمَالَ جَمًّا ﴿٢٠﴾، به این سمت می رود. او دارد حیات خود را کم می کند. كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا ﴿٢١﴾، کم می کند.

در دنیا فروکاستی حیات و ارتقاء حیات قاعده دارد. بعضی زمان ها را نمی شود جبران کرد. خدا کند که ما این بحث ها را که می شنویم دچار افراط

^٧ سوره مبارکه فجر

و تفریط نشویم. نه یک دفعه این قدر ناامید شویم که از این طرف بوم بیفتیم و بگوییم: خدا ما را نمی‌بخشد، دیگر راه جبران نداریم. از طرف دیگر هم نیفتیم که بی‌خیالی طی کنیم. روی اعتدال جلو برویم و از ایام عمر خود استفاده کنیم. هر کسی هم از قبل اوضاع او بد بوده است، از الان محکم می‌کند، خدا یک کاری می‌کند. به هر حال اینکه انسان از الان شروع کند به اصلاح کردن بهتر از این است اصلاح نکند. اما لطفاً حتی یک ثانیه هم اصلاح را به تأخیر نندازد. نه اینکه دو مرتبه می‌گوید، بعد دوباره رها می‌کند. بعضی اوقات بعضی افراد اشک‌هایی می‌ریزند در پیشگاه خداوند و حاضر نیستند اصلاً تغییر کنند!! اشک ریختن مهم نیست، کسی تحول پیدا کند و اشک نریزد قبول است و کسی هم تحول پیدا نکند و اشک بریزد قبول نیست. وضع حقایق دنیا تکوینی است و با همین تکوین به قیامت می‌رود. یک مفهوم آخرت داریم که با مفهوم قیامت متفاوت است. مفهوم آخرت می‌شود باطن این عمل، قیامت یعنی قیامت کبری، به همین دلیل می‌گویند قیامت کبری، منظورشان آن موقعی است که بساط دنیا جمع می‌شود و واقعاً هم جمع می‌شود و معاد جسمانی است و هر کسی خودش است و واقعاً هم عمل خود را می‌بیند و شوخی هم نیست و فضای کاملاً جدی و ترسناکی هم دارد. اگر کسی هم بگوید: شما را به خدا از ترس با ما حرف نزنید. تقصیر ما نیست، در قرآن است، اول سوره حج، اول سوره انبیاء و اول سوره قمر و اول سوره واقعه، آیات عین آیه است. چیزهای کمی نیست. خداوند خیلی سعی کرده است که انسان از قیامت بترسد. خدایا نکند من در قیامت بیایم و بگویم: بین چقدر حالت را گرفتم، هر چقدر تو خواستی من را بترسانی من نترسیدم. چقدر من محکم هستم. روی خودم کار کردم، خودسازی کردم. تو می‌خواستی بترسانی، من نترسیدم! خیلی بد است. گفته است که بترس. می‌گوید: رحمت خدا چه می‌شود. شما بترسید، رحمت خود را به شما می‌دهد. آن وقت آدم وقتی باید بترسد اشتباه می‌ترسد.

سؤال: ... یک میزان و معیار ... در چهره مؤمن اضطرابی بود که ...

پاسخ: بله، عمل باید تقرب‌زا باشد و تقرب هم شوخی نیست. وضع تکوینی دارد و اگر کسی تقرب پیدا نکرد فایده ندارد. ما سر این بحث‌های قراردادی خیلی سر خودمان کلاه می‌گذاریم. من باید یک موقعی این نماز را که می‌خوانم تقرب پیدا کنم. حالا امروز نشد، فردا. اگر این تقرب ایجاد نکرد، مورد قبول نیست. چون اصل در عبادت تقرب آن است.

از دقیقه ۱۰۰ تا آخر

شاید بگویید: من تقرب پیدا می‌کنم، خودم متوجه نشدم. مگر می‌شود شما تقرب پیدا کنید متوجه نشوید؟. یعنی حقیقت این قدر گیج است؟! یعنی فکر می‌کنید حقیقت این قدر کور است شما را نمی‌بیند. حقیقت بینا تر از همه چیز است. شما بگویید: من به حقیقت نزدیک می‌شوم، حقیقت من را نمی‌بیند، یا من حقیقت را نمی‌بینم. یک سری آموزه‌هایی در ذهن ما رسوب کرده است که واقعیت ندارد و اینها را نمی‌دانم چطور می‌شود کنار زد.

خیلی آزاردهنده است. یک خانه خراب را چقدر باید خاک برداری کنیم تا آن را بتوانیم دوباره بسازیم. الان هرکاری کنیم آن مطالب نمی‌رود. برای جلسه بعدی سؤالات خود را بنویسید. بینیم سوره قیامت چقدر می‌تواند راجع به این موضوع به ما دسته‌بندی بدهد.

تقریباً بیست و هفت منظر

در استفاده از متن جلسات لطفاً به موارد زیر توجه شود :

- فایل پیاده جلسات صرفاً جهت مطالعه و مرور مطالب بیان شده در جلسات می‌باشد و نمی‌تواند به عنوان "منبع علمی" مورد استناد قرار گیرد. (احتمال تغییر محدود مطالب بیان شده در جلسات وجود دارد).
- لطفاً از هرگونه "تقطیع" متن جلسات جهت تهیه متن نوشته و ... به دلیل نارسایی در انتقال درست مضامین، خودداری شود.
- فایل متن جلسات "صرفاً" برای اعضای کانال می‌باشد و امکان نشر آن در سایر بسترها نیست.
- پیشنهاد میشود در مواردی که متن جلسه گویا نیست با توجه به زمان درج شده به صوت جلسه رجوع شود.
- شیوه پیاده سازی جلسات انطباق کامل متن با صوت می‌باشد. لذا در صورت مشاهده هرگونه مغایرت، لطفاً به شناسه [@sm_nouri](https://www.instagram.com/sm_nouri) اطلاع فرمایید.

جهت تداوم نشر عمومی متن جلسات و بهره مندی از منافع آن، تعهد جمعی به موارد فوق را خواستاریم.

سپاس از همراهی تان